ماجرای اظهارات سیمینوف روسی چه بود؟

عملیات رسانه‌ای علیه منافع ملی

فرهیختگان طی چندهفته اخیر شاهد تولید گزارش‌ها و محتواهایی در فضای سیاست خارجی و مساله درگیری روسیه و غرب بودیم که دال‌مرکزی بسیاری‌شان مطالبی مخرب علیه روابط تهران-مسکو بود. هجمه و فشارهای رسانه‌ای بی‌شماری که عمدتا روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری موجود میان ایران و روسیه را هدف قرار داده است و نشان از آن دارد که حرکت تهران و مسکو در مسیر راهبردی شدن هرچه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور آن هم در شرایط تحریم‌های اقتصادی تا چه میزان باعث ناخشنودی غربی‌ها به‌خصوص دولت آمریکا شده است. به‌نظر می‌رسد یکی از اهداف این هجمه‌های رسانه‌ای در گام نخست تخریب روابط تهران-مسکو و بعد از آن، به گوشه انزوا کشاندن دو کشور برای به‌ثمر نشستن تحریم‌های غرب است. به‌منظور واکاوی دقیق‌تر این مساله، با روح‌الله مدبر، کارشناس مسائل اوراسیا گفت‌وگو کرده‌ایم مدبر معتقد است: «از این گونه تحرکات طرف غربی متوجه می‌شویم تعمیق روابط ایران و روسیه چقدر مهم است که اینها یک بازی تبلیغاتی علیه ایران به راه انداخته‌اند. در این بازی رسانه‌ای حتی بحث قطعنامه ۲۲۳۱ را هم مطرح کردند درحالی که این گونه استنادات مبنا قانونی ندارد و با هدف فضاسازی مطرح می‌شود.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

III

این گزاره را که تحریم ایران به‌نفع روسیه است تا به الان زیاد شنیدیم، به‌تازگی هم چنین مضمونی به نقل از فردی به اسم کنستانتین سیمونوف منتشر شد که برخی رسانه‌ها مدعی بودند مدیرکل صندوق امنیت ملی انرژی روسیه است. اساسا این شایعه چقدر می‌تواند واقعی باشد و به نظر شما با چه هدفی منتشر می‌شود؟

هرچقدر مناسبات ایران و روسیه به یکدیگر نزدیک می‌شود، صدای غرب و رژیم‌صهیونیستی و آمریکا هم بیشتر درمی‌آید. همین دو روز پیش بود که نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی گفت نزدیکی روابط ایران و روسیه، برای ما بسیار نگران‌کننده است. در همین راستا، سند جدید استراتژی امنیت ملی آمریکا درکنار تهدید خواندن روسیه و چین، به ایران اشاره کرده و در لفافه همین نزدیکی ارتباط روسیه و ایران را تهدیدی عنوان کرده است. همین‌ها باعث می‌شود اخبار ساختگی و شایعه‌پراکنی هم زیاد شود. نمونه‌اش همین کنستانتین سیمونوف است که افراد بدون اینکه جایگاه یا مسئولیت او را بررسی کنند، یا اصلا بررسی کنند که چنین ساختاری در دولت روسیه داریم یا نه، این فرد و صحبتش را بزرگنمایی کردند. خود شخص شما و من فردا صبح می‌توانیم به اداره ثبت شرکت‌ها برویم و یک شرکت عریض و طویل ثبت و درباره آن صحبت کنیم.

قابل‌توجه است که سیمونوف هیچ مسئولیت سیاسی‌ای در طول زندگی‌اش در دولت روسیه نداشته و این سازمانی که تحت‌عنوان آژانس امنیت ملی انرژی روسیه در برخی رسانه‌ها عنوان کردند، یک شرکت خصوصی است که ثبت‌شده و گفت‌وگوی این شرکت با یک شبکه داخلی تلویزیونی را بزرگنمایی می‌کنند و می‌گویند یک مقام روس این اظهارات را کرده است و ما می‌بینیم یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار در ایران، این مطلب را در صفحه یک خود می‌گنجاند و با عکس رئیس‌جمهور روسیه تیتر می‌زند: «رفیق ناباب» یا این دوستان حرفه‌ای نیستند یا مسیر را کاملا اشتباهی می‌روند، چون اولین اصلی که در حوزه رسانه داریم، سواد رسانه‌ای است. این دوستان با هر نیتی این گونه مطالب را منتشر می‌کنند، قطعا در راستای منافع ملی حرکت نمی‌کنند.

این شایعات را درحالی منتشر کردند که چند روز قبل، وزیر خارجه ایران رسما اعلام کرده بود تا قبل از پایان امسال ما توافقنامه همکاری مشترک ایران و روسیه را امضا می‌کنیم. بنابراین اینها جزئی از بازی جنگ رسانه‌ای است که با هدف تحریک افکار عمومی، فشار به نخبگان، انحراف و فشار به دستگاه‌های ما انجام می‌شود. نتایج این اهداف به‌نفع طرف غربی است، چون غربی‌ها رسما از توسعه مناسبات روسیه با ایران نگران هستند، برای همین افکار عمومی ما را موردحمله قرار می‌دهند. البته دفعه اول نیست که چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد و دفعه آخر هم نخواهد بود و باید در این حوزه مراقبت کرد.

برخی دولت‌های غربی با بهره‌برداری از اظهارات زلنسکی سعی دارند ایران را به مشارکت در جنگ اوکراین متهم کنند. با چه هدفی این گونه اتهامات مطرح می‌شود؟

در عرف نظام بین‌الملل، هر کشور مقام رسمی دارد که مواضع و اقدامات آن کشور را اعلام می‌کند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران چندین بار رسما اعلام کرده که ایران نه نقشی در جنگ اوکراین دارد و نه نقشی خواهد داشت. از این رو، فروش سلاح به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین شایعه و بازی رسانه‌ای است. مقامات روس هم به کرات و دفعات مختلف اعلام کردند این اتفاق نیفتاده اما برخی هم‌صدا با رسانه‌های غربی این دروغ و جریان‌سازی جدید غربی‌ها را با اهداف خودشان پیش می‌برند که البته به آن اهداف نخواهند رسید. مهم‌ترین کاری که جریان رسانه‌ای غرب‌گرا انجام می‌دهند این است که به افکار عمومی ایران فشار بیاورند تا افکار عمومی به نخبگان سیاسی فشار بیاورند و درنتیجه در روابط ایران و روسیه اختلال ایجاد شود. به همین خاطر، این جریان‌ها از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا اهداف خود را به‌نتیجه برسانند. از این گونه تحرکات طرف غربی و آمریکایی متوجه می‌شویم تعمیق روابط ایران و روسیه چقدر مهم است که اینها یک بازی کثیف تبلیغاتی را علیه ایران به راه انداخته‌اند. در این بازی کثیف رسانه‌ای حتی بحث قطعنامه ۲۲۳۱ را هم مطرح کردند درحالی که این گونه استنادات مبنای قانونی ندارد و با هدف فضاسازی مطرح می‌شود.

مواضع جمهوری اسلامی از ابتدای بحران اوکراین این بوده است که با جنگ مخالف است و معتقد است که ریشه اصلی بحران، گسترش ناتو به شرق است.

برخی در داخل ایران، همسو با غرب می‌گویند روسیه عامدا می‌خواهد ما را شریک خودش در جنگ معرفی کند. و مطرح کردن نام ناتو صرفا بهانه‌ای برای جنگ و جلب حمایت ایران و چین است. نظر شما درباره این گونه استدلال‌ها چیست؟

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، سیاست اصلی‌اش نزدیک شدن به مرز کشورهایی است که با یک‌جانبه‌گرایی این سازمان و آمریکا مخالف هستند. یک دوره این مرز، مرز شوروی و چین بود. اما امروز باتوجه به تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران، ایران هم یکی از کشورهایی است که آنها می‌خواهند به او نزدیک شوند. هدف اصلی ناتو فقط مباحث امنیتی و نظامی نیست و رکن دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرمی هم در این سازمان وجود دارد که با استفاده از این ظرفیت، اقدام به براندازی دولت‌ها یا حکومت‌ها، شورش، رصد و جاسوسی می‌کند. اینکه برخی این گزاره غلط و غیرحرفه‌ای را مطرح می‌کنند که ترکیه عضو این سازمان است و به مرز ایران نزدیک است، نشان می‌دهد شناختی از استراتژی نظام بین‌الملل و مولفه‌ها و ارکان اصلی تخصصی آن ندارند. ببینید رویکرد ترکیه و مناسبات ایران با ترکیه و هم‌مرزی ایران با ناتو سه مقوله متفاوتند. چون سطح سیاست خارجی ایران در ارتباط با این کشور و نوع نگاهی که ترکیه به ما دارد، اصلا ارتباطی با ناتو ندارد. نزدیک شدن ناتو به مرزهای ما و روسیه در بخش‌های فوق استراتژیک‌تری است. مثلا برای روس‌ها بسیار مهم بود که اوکراین عضو ناتو نشود. البته ناتو ابتدا در حوزه فرهنگی به اوکراین ورود کرد سپس حوزه امنیتی. ناتو حتی می‌خواست این پروژه را در بلاروس هم پیاده کند که دیدیم در انتخابات بلاروس لوکاشنکو رای آورد و ناتو می‌خواست لوکاشنکو را سرنگون کند تا از طریق بلاروس به روسیه نزدیک شود. برای ایران هم آنها برنامه داشتند تا از ظرفیت آذربایجان و رویکرد علی‌اف استفاده کنند تا به بهانه‌های مختلفی مانند اختلاف بین آذربایجان و ارمنستان، خودشان را به مرزهای ایران نزدیک کنند. مثلا الان ناتو در مرز سیونیک حضور مستشاری دارد.

سیاست ایران مبنی‌بر این است که ناتو نباید به مرزهایش نزدیک شود و این سیاست هوشمندانه‌ای است. چون درصورتی که آنها به نقاط استراتژیک ما نزدیک شوند، تنش و درگیری در این نقاط افزایش می‌یابد. لذا در چنین شرایطی، یک عده آنقدر غرق در اندیشه‌های غرب شده‌اند که وقتی می‌خواهند گفت‌وگویی کنند، به‌هیچ‌وجه منافع ملی را درنظر نمی‌گیرند و به این نکات توجه نمی‌کنند و دقیقا در تله غرب می‌افتند و می‌خواهند عادی‌سازی کنند و شرایط را ساده‌انگارانه تصور می‌کنند و می‌گویند ترکیه که عضو شده، آذربایجان هم عضو ناتو شود و قرقیزستان هم و دیگر کشورها. اینها نشان می‌دهد چنین افرادی دغدغه‌ای برای منافع ملی ندارند و فقط برای رسیدن به اهداف سیاسی‌شان هر موضوع غیرقابل طرحی را بیان می‌کنند. امروز مقابله‌ای که روسیه با گسترش ناتو دارد انجام می‌دهد، در راستای منافع ملی آسیا است. یعنی امروز هرچه ناتو و آمریکا و ائتلاف غرب ضعیف‌تر شود، هرچه بحران‌های این کشورها بیشتر شود، منفعتش برای آسیا بیشتر است. روسیه دارد با دشمن آسیا می‌جنگند و برای همین است که یک عده نوع نگاه و رویکردشان صرفا غرب‌گرایانه است. بدون توجه به این موضوع دارند مطالب غیرحرفه‌ای را بیان می‌کنند.

در حوزه چین و عدم‌حضورش در تایوان هم برای من جالب است که اینها نوعی علم‌الغیب دارند. چین در موعد مقرر تایوان را با هر روش ممکن به خاکش ملحق می‌کند. شک نکنید. این را هم در کنگره چین تصویب کردند. پس گویا آقایان در حوزه آینده‌پژوهی تحلیل درستی ندارند و به حال نگاه می‌کنند. چین دارد طبق پازلش حرکت می‌کند و اتفاقا زمان ورود روسیه به اوکراین زمان درستی بود و زمان عدم ورود چین به تایوان هم زمان درستی است، چون زمانش هنوز نرسیده و هر زمان که برسد آن کار را خواهد کرد.

برخی در مساله اخیری که با ادعای پهپادی علیه ایران طرح شده بدون اشاره به نقش غربی‌ها روسیه را مقصر معرفی کرده و این مساله را به قطعنامه شورای امنیت و مکانیسم ماشه پیوند می‌زنند. اساسا این مساله آیا ارتباطی با این مکانیسم دارد؟ روسیه در جلوگیری از این اتهام‌زنی‌ها چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

آنچه در حوزه پهپاد و این چیزها مطرح می‌شود، دو بعد دارد. یک بعدش بازی رسانه‌ای است. در یک کشوری عملیات نظامی انجام می‌شود، آن کشور از تانک نظامی یک کشور دیگر استفاده می‌کند، آیا آن کشور تولیدکننده تانک متخلف است؟ اینها بحث‌های تخصصی حوزه بین‌الملل است. سلاح یک موضوع بسیار شفاف و مشخص است. مواضع اخیر آمریکا نشان می‌دهد که او می‌خواهد امپراتوری تسلیحات در انحصار خودش باشد و بازار اصلی سلاح را خود به دست بگیرد. در ثانی ایران موضع خود را به‌صورت شفاف توسط وزارت خارجه اعلام کرده و گفته به روسیه سلاح ارسال نکرده است. بر همین اساس، این گونه صحبت‌ها فضاسازی است و پایه حقوق بین‌الملل و قابلیت پیگیری ندارد. درواقع تله‌ای است که می‌خواهد یک عده افراد را وارد این تله کند و این باید با مواضع رسمی ایران و درگذر زمان حل شود. برای من خیلی عجیب است که برخی در داخل علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تحلیل‌های نادرست ارائه می‌دهند. دستگاه دیپلماسی رسما دارد اعلام می‌کند این اتفاق نیفتاده است. وزارت خارجه دارد در چهارچوب قواعد حقوق بین‌الملل اقدام می‌کند. می‌گوید هیچ وسیله‌ای دراختیار طرف روس قرار ندادیم که در جنگ اوکراین از آن استفاده کند. این موضع دقیق در محکمه‌های بین‌المللی هم قابل استناد است.

حقوق بین‌الملل مساله کاملا پیچیده‌ای است. کاملا تخصصی است. افراد باید منافع ملی کشورشان را درنظر بگیرند. موضع ایران صریحا اعلام شده است و از نظر عرف بین‌الملل هم بر همان موضع صریح تاکید دارد. هیچ مدرک و ادله‌ای هم وجود ندارد که بتوانند به‌واسطه آن ادعاهایشان را ثابت کنند. آنچه روسیه دارد استفاده می‌کند ساخت خودش است. خود روسیه آنها را ساخته است و به ایران ارتباطی ندارد. حالا اینکه تکنولوژی‌اش را از هرکجا گرفته باشد نکته دیگری است. این ادعاها وجاهت قانونی پیدا نمی‌کند. مساله دیگر آنکه به‌دنبال این هستند تا همین ادعاها را دستاویز قرار دهند تا روابط تهران-مسکو را تا حد ممکن تخریب کنند درصورتی که این ادعاها برعکس باعث تحکیم مناسبات خواهد شد. روسیه از ابزارهایی مثل حق‌وتو و ظرفیت‌های دیگری که در شورای امنیت دارد استفاده کرده که اینها هم باعث نگرانی غربی‌ها درخصوص تعمیق روابط ایران و روسیه شده است.

یادداشت

نگاه سردرگم اصلاح‌طلبان به دیپلماسی؛ قهر ابدی با روسیه

علی مزروعی
خبرنگار گروه سیاسی

تبدیل کردن منازعه بین روسیه و اوکراین به بهانه‌ای برای اعمال فشار دیپلماتیک به ایران مشی غیرمنطقی است که جبهه غربی دیکتاتورمآبانه درحال پیگیری آن است. آنچه در این میان عجیب به‌نظر می‌رسد پیگیری همین خط توسط چهره‌های سیاسی داخلی است. حمید ابوطالبی، دیپلماتی که پیش از این در دولت روحانی به‌عنوان معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور مشغول به کار بوده اخیرا در یادداشتی بدون ارائه هیچ سندی در تکمیل پازل فشار علیه ایران مشی اتهام‌زنی را درپیش گرفته و ادعای مشارکت ایران در جنگ اوکراین را تکرار کرده و در انتها مدعی شده این ادعا به معنی نقض قطعنامه ۲۲۳۱ است و باعث فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران می‌شود. ابوطالبی درحالی ماجرای غیراثبات‌شده پهپادی را به مکانیسم ماشه پیوند می‌زند که اساسا هیچ پیوند حقوقی بین این دو مقوله وجود نداشته و طرف‌های غربی نیز علی‌رغم اتهام‌زنی به ایران درمورد مشارکت در جنگ روسیه هنوز چنین ادعایی را طرح نکرده‌اند. در ادامه ضمن توضیح چرایی غلط بودن این نتیجه‌گیری به بررسی دلایلی پرداخته‌ایم که مشاور سیاسی روحانی با استناد به آنها روابط ایران و روسیه را باعث وارد دانستن خسارات عمیق به کشور توصیف می‌کند.

مکانیسم ماشه و ادعاهای پهپادی؛ کاملا بی‌ربط

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سلسله قطعنامه‌های تحریمی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۰ چنین تصمیم گرفت ایران را از انجام هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک که قادر به حمل سلاح هسته‌ای هستند، منع کند. با انعقاد برجام در سال ۲۰۱۵ و قطعنامه متعاقب آن به‌شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت تغییراتی را در این مورد به‌خصوص انجام داد به این گونه که بیان الزام‌آور قطعنامه ۱۹۲۹ به لحنی غیرالزام‌آور تبدیل شد و حذف و اضافاتی در مقرره مربوطه صورت گرفت، حتی جایگاه این مقرره نیز دچار تحول و از چهارچوب متن اصلی قطعنامه ۱۹۲۹ به ضمیمه دوم قطعنامه ۲۲۳۱ منتقل شد. قطعنامه ۲۲۳۱ دارای دو ضمیمه است؛ نخستین ضمیمه قطعنامه، متن برجام است. اما ضمیمه B یا دوم، بیانیه دولت‌های ۵+۱ و اتحادیه اروپا است. در این ضمیمه شاهد مطالبی ازجمله یک سلسله تعهدات و تجویزهایی هستیم که فراتر از برجام است و به تحریم تسلیحاتی ایران اشاره دارد که به‌هیچ‌وجه در برجام بحث و بررسی نشده است. مجزا بودن محتوای برجام از ضمیمه دوم باعث می‌شود فعال‌سازی مکانیسم موسوم به ماشه نیز صرفا در چهارچوب برجام یعنی ضمیمه نخست قطعنامه ۲۲۳۱ قابل‌بررسی باشد و اساسا ارتباطی با محتوا ضمیمه دوم که مرتبط با تحریم‌های تسلیحاتی ایران است، نداشته باشد. همچنین باید این نکته را مدنظر داشت که ماجرای ادعایی پهپادی حتی در ذیل ضمیمه دوم قطعنامه ۲۲۳۱ نیز قابلیت محکوم شدن ندارد. مدعیان ارتباط بین ماجرای پهپادی و قطعنامه ۲۲۳۱ ادعای خود را با استناد به یکی از دو بند ۴ و ۶ ضمیمه B قطعنامه مطرح می‌کنند. بند ۶ ضمیمه B اشاره به محدودیت ایران در جهت تامین، فروش یا انتقال سلاح یا مواد مرتبط به آن به دیگر کشورها دارد. اعتبار این بند از اکتبر ۲۰۲۰ به پایان رسیده و محدودیت قیدشده در این بند پایان یافته است. بند ۴ ضمیمه B قطعنامه نیز ارتباطی به مقوله پهپادی نداشته و صرفا به محدودیت‌های مرتبط با تامین مواد، تجهیزات و تکنولوژی‌های در ارتباط با توسعه سیستم موشک‌های دارای سلاح هسته‌ای اشاره می‌کند که در این رابطه نیز ایران هرگز قصد ندارد مواد و تکنولوژی‌هایی را که به توسعه سلاح‌های هسته‌ای کمک می‌کنند، تامین کند.

آدرس غلط کلاف پیچیده مذاکرات

ابوطالبی در نخستین استدلال خود مدعی می‌شود روسیه با پیچیده کردن مذاکرات اجازه نداده است گفت‌وگوها به نتیجه برسد؛ تا در عرصه تحریم درصحنه سیاسی جهان تنها نمانده و از موقعیت ایران به‌نفع خود بهره ببرد. مشاور روحانی درحالی روسیه را مقصر به‌نتیجه نرسیدن مذاکرات می‌داند که طرف آمریکایی هنوز به مطالبات ایران در زمینه تضمین و بسته شدن پرونده‌های ادعایی در آژانس پاسخی نداده است. واشنگتن همزمان با بدون پاسخ نگه‌داشتن مطالبات تهران، در اغتشاشات اخیر ایران اعلام حضور رسمی داشته تا نشان دهد نگاهی سازنده به مسیر مذاکرات ندارد.

درک کاریکاتوری از واقعیت ناتو

سفیر اسبق ایران در اتحادیه اروپا برای اینکه بتواند انگشت اتهام خود را با شدت بیشتری به‌سمت روسیه بگیرد در دومین استدلال خود مدعی می‌شود پیوند زدن حمله به اوکراین با گسترش ناتو توسط مسکو ترفندی بوده است تا بتواند ایران و چین را که از یک قرن پیش با ناتو همسایه بودند در جبهه خود قرار دهد. ابوطالبی درحالی می‌شود چین با ناتو همسایه است که در بین کشورهای آسیایی تنها ترکیه عضو این پیمان است. ابوطالبی درحالی سعی دارد با توجیه همسایگی ایران و ترکیه واقعیت ناتو را کوچک جلوه دهد که اساسا ترکیه سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی به ناتو پیوسته بود و طی چند دهه گذشته هیچ‌گاه روابطش با ایران به تنش نظامی مستقیم منجر نشده است. نمودهای تنش‌آمیز حضور ناتو در منطقه را پیش از این در عراق و افغانستان شاهد بوده‌ایم؛ حضوری که جز از بین رفتن امنیت آورده دیگری برای این کشورها نداشت. حال با تکیه به همین تجربه است که ایران درقبال حضور نیروهای ناتو در قفقاز هشدار داده و مخالفت خود را نیز بارها اعلام کرده است. چین هم مانند ایران نسبت به حضور آمریکا در مرزهای خود هشدار داد و بعد از سفر نانسی پلوسی به تایوان اقدام به برگزاری رزمایش نظامی در این منطقه کرد تا آمادگی خود را برای جلوگیری از حضور احتمالی نظامیان ناتو در این منطقه اعلام کند.

چه کسی موضوع پهپادها را به شورای امنیت کشاند

ابوطالبی به‌عنوان سومین استدلال خود می‌نویسد: «روسیه با موضوع پهپادها، اختلاف ایران و غرب را به شورای امنیت UN کشید؛ موضوع اوکراین را به قطعنامه ۲۲۳۱ متصل کرد و آنچه ایران مانند گذشته می‌توانست به‌عنوان یک مساله مذاکراتی به نتیجه برساند را به امنیت بین‌الملل پیوند زد.» ابوطالبی درحالی روسیه را عامل کشیده شدن اختلاف ایران و غرب به شورای امنیت معرفی می‌کند که این تروئیکای اروپایی و آمریکا هستند که با مطرح کردن درخواست تحقیقات درمورد ماهیت کشور سازنده پهپادها به‌دنبال ربط دادن این ماجرا به قطعنامه ۲۲۳۱ و سوءاستفاده از محتوای قطعنامه علیه ایران هستند. عجیب به‌نظر می‌رسد که مشاور سیاسی رئیس‌جمهور سابق با یک احتمال درمورد سوءنیت روسیه نتیجه‌گیری کرده و مسیر قطع ارتباط با مسکو را تئوریزه می‌کند اما درمورد طرف‌های غربی که علنا علیه ایران قطعنامه ۲۲۳۱ را دستاویز قرار داده‌اند، می‌نویسد: «ایران می‌توانست اختلافش با این طرف‌ها را به‌عنوان یک مساله مذاکراتی به نتیجه برساند.»

کدام دیپلماسی سردرگم است

مشاور سیاسی رئیس دولت دوازدهم یادداشتش را با این بند به پایان می‌برد: «آیا پیش از آنکه بازهم دیر شود و خسارت‌های کشور عمیق‌تر، نباید در «دیپلماسی سردرگم ایران» تجدیدنظر اساسی صورت گیرد؟» نویسنده درحالی ارتباط با روسیه را دیپلماسی سردرگم لقب می‌دهد که از زمان آغاز به کار دولت سیزدهم تاکنون تقویت ارتباط با همسایگان و نگاه به شرق درکنار میز مذاکرات با طرف‌های غربی با جدیت پیگیری شده است. رشد میزان قراردادهای تجاری و تقویت جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی همچون شانگهای از دستاوردهای همین رویکرد است. حال آنکه تمرکز سیاست خارجی دولت روحانی روی مذاکرات با طرف‌های غربی درنهایت آن‌طور که ظریف در کتاب «راز سربه‌مهر» به آن معترف است منجر به رنجاندن دوستان دوران سختی شد و مشاور سیاسی رئیس‌جمهور سابق بدون اینکه اشاره‌ای به دیپلماسی سردرگم دولت روحانی داشته باشد، همچنان به این رنجش ادامه می‌دهد.